

بررسی تأثیر مسأله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بر نظم منطقه‌ای غرب آسیا (۲۰۰۰-۲۰۲۰)

احسان خادمی بهابادی^{۱*}

علی باقری‌زاده^۲

چکیده

استراتژی جمهوری اسلامی ایران در مسأله هسته‌ای در غرب آسیا استراتژی بازدارنده و دفاعی است که باعث افزایش توان قدرت ملی کشور، حافظ تمامیت ارضی و امنیت ملی ایران و منجر به کاهش احتمال هر گونه تهاجم نظامی علیه ایران شده است. این مقاله با هدف بررسی اتخاذ یک استراتژی بازدارندگی خصوصاً از نوع بلند مدت آن برای برنامه هسته‌ای ایران و تأثیر آن بر غرب آسیا، نقش بسیار مهمی برای بیان چهره واقعی قدرت و اقتدار ایران در غرب آسیا دارد. در این راستا به دنبال پاسخ به این سؤال می‌باشیم که استراتژی پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بر نظم منطقه‌ای غرب آسیا بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ چه تأثیراتی دارد؟ و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی این فرضیه مطرح شده است که استراتژی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا علاوه بر اینکه مبتنی بر اتحاد با نیروهای شیعه طرفدار ایران و تقویت محورهای مقاومت می‌باشد، در پرونده هسته‌ای ایران بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ موجب ایجاد ایران هراسی در بین کشورهای غرب آسیا شده و عدم اعتماد میان کشورهای منطقه شده است. در این راستا با استفاده از چارچوب نظریه هالستی و همچنین نظریه‌ی بازدارندگی به بررسی سیاست‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و تأثیرات آن بر غرب آسیا با استفاده از متغیرهای دخیل مانند نقش آمریکا پرداختیم و به این نتیجه رسیدیم که پرونده هسته‌ای ایران موجب ایجاد ایران هراسی در غرب آسیا شده است در حالی که استراتژی هسته‌ای ایران در غرب آسیا مبتنی بر بازدارندگی و استراتژی تدافعی در مقابل حمله احتمالی است.

واژگان کلیدی: پرونده هسته‌ای، غرب آسیا، سیاست خارجی و ایران هراسی

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، رفسنجان، ایران. (نویسنده مسئول)

* e.khademi70@gmail.com

۲. استاد یار روابط بین‌الملل، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، رفسنجان، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دوازدهم، شماره پیاپی چهل و چهار، صص ۱۶۵-۱۳۷

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران با دست یابی به فناوری های مهم هسته ای و بکارگیری آن در زمینه های مختلف صنعتی، کشاورزی، درمانی در کانون توجهات کشورهای جهان بویژه کشورهای غربی قرار گرفته است. برنامه هسته ای ایران بهانه ای شد که آمریکا ایران را تهدید کننده صلح معرفی کند تا وجهه حقوقی بر اعمال سیاست های تحریمی خود علیه ایران بدهد. در سال های اخیر غرب و ایران به این نتیجه رسیدند که همکاری در زمینه هسته ای، همانند دوران قبل از انقلاب فواید و مزایای بیشتری را به همراه دارد. اما بعد از روی کار آمدن ترامپ این سیاست مجدداً تغییر کرده است. ترامپ برجام را بدترین توافق و توافقی شرم آور برای آمریکا خوانده است. با توجه به قدرت گرفتن ایران و همپیمانانش در منطقه حفظ امنیت اسرائیل و عربستان مشکل ساز شده است و آمریکا قصد دارد تا جنگ نیابتی در منطقه به راه اندازد که اروپا از آن واهمه دارد زیرا به دلیل نزدیکی خاورمیانه به اروپا بیشترین هزینه را باید آنها پردازند مثل پناهندگی افراد جنگ زده، تروریست و از بین رفتن منابع و کم شدن رونق اقتصادی و روسیه و آمریکا هر کدام به دنبال ایجاد تنش برای فروش سلاح در این منطقه هستند و اتحادیه اروپا به دنبال صلح و آرامش در این منطقه است و به دلیل این که ایران از غرب بدعهدی دیده است و به روسیه اعتماد ندارد گرایشی نرم به سوی چین دارد.

ایران در پی هژمونی منطقه ای و استیلا بر خاورمیانه و اعمال اقتدار اسلامی بر خاورمیانه و کشورهای عرب است و سلاح هسته ای، ابزار مناسبی برای تحقق این هدف می باشد. همچنین ایران اتمی به منزله کابوسی برای نظم بین المللی جلوه داده می شود و اسرائیل به عنوان اولین مرحله در تحمل پیامد های ایران هسته ای معرفی می شود. سیاست گذاری هسته ای جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا، بدون توجه به نشانه های کنش امنیتی بازیگران منطقه ای و بین المللی امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین در این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال می باشیم که مسأله هسته ای جمهوری اسلامی ایران بر نظم منطقه ای خاورمیانه بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ چه تأثیراتی دارد؟

پرونده هسته ای ایران بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ موجب ایجاد ایران هراسی در بین کشورهای غرب آسیا شده و عدم اعتماد میان کشورهای منطقه و برهم زنده نظم منطقه می باشد. و آمریکا نیز باتمركز بر تهدید آمیز جلوه دادن این برنامه، امنیتی کردن پرونده هسته ای

ایران به موازات پروژه ایران هراسی، در برداشت کشور های حوزه غرب آسیا از این پرونده مؤثر است.

چارچوب و مبانی نظری

در این قسمت به بررسی چارچوب نظری مرتبط با پرونده هسته ای ایران می پردازیم. در این راستا استفاده از رویکرد هالستی قابل توجه است. زیرا براساس این رویکرد سمتگیری های ۱+۵، اعمال و نقش های ملی آن ها در راستای پرونده هسته ای ایران بررسی میشود. در ادامه نیز به بررسی نظریه تصمیم گیری جیمز روزنا به عنوان چارچوب مکمل کننده ی موضوع مورد بحث می پردازیم. در این راستا رویکردهای کلان، خرد و مختلط مورد بررسی قرار می گیرند که شامل پیچ جزء فرد، نقش، حکومتی، جامعه و متغیرهای محیطی است که در رابطه با تأثیر پرونده هسته ای ایران بر نظم منطقه ای غرب آسیا مورد بررسی قرار می گیرند. سیاست خارجی یک کشور شامل استراتژی هایی است که برای محافظت از منافع بین المللی و داخلی خود استفاده می کند و نحوه تعامل آن با سایر بازیگران دولتی و غیر دولتی را تعیین می کند. هدف اصلی سیاست خارجی دفاع از منافع ملی یک ملت است که می تواند به روشهای غیر خشونت آمیز یا خشونت آمیز باشد. (Elrod, 1976: 165).

۱۳۹



بررسی تأثیرمسأله
هسته ای جمهوری
اسلامی ایران بر
نظم منطقه ای غرب
آسیا (۲۰۰۰-
۲۰۲۰)

اقدامهای کلیدی سیاست خارجی

۱- سیاست خارجی شامل تاکتیک ها و فرآیندی است که یک ملت با آن برای برقراری منافع خود با سایر کشورها تعامل می کند
۲- سیاست خارجی ممکن است از دیپلماسی یا سایر وسایل مستقیم تر مانند تجاوز به ریشه در قدرت نظامی استفاده کند
۳- نهادهای بین المللی مانند سازمان ملل و سلف آن ، اتحادیه ملل ، از طریق دیپلماتیک به برقراری روابط بین کشورها کمک می کنند (Viotti, and Mark, 2011: 43).

سیاست خارجی باید روشهای تغییر دولتها را روشن کند و در تغییر رفتار سایر کشورها موفق شود. " مدلسکی ، به طور خاص آن جنبه هایی از سیاست است که هدف آن تغییر در رفتار موجود دولت ها ، به عنوان اهداف اصلی سیاست خارجی است. با این حال ، سیاست خارجی نه تنها تغییر نمی کند ، بلکه ادامه رفتار در دوره های مختلف است. (Dinesh,)

6: 2016). یکی از نمونه های سیاست خارجی، چین است. در سال ۲۰۱۳ چین سیاست خارجی خود را به عنوان ابتکار عمل کمربند و جاده، استراتژی کشور برای توسعه روابط اقتصادی قوی تر در آفریقا، اروپا و آمریکای شمالی توسعه داد. در ایالات متحده، بسیاری از روسای جمهور به دلیل تصمیمات برجسته خود در سیاست خارجی مانند دکترین مونرو که مخالف تصاحب دولت مستقل امپریالیستی بود، شناخته می شوند. سیاست خارجی همچنین می تواند تصمیم به عدم شرکت در سازمانها و گفتگوهای بین المللی باشد، مانند سیاستهای انزواگرایانه کره شمالی. (Frazier, 2019: 13)

کی. جی هالستی اهداف ملی را به چند دسته هدفهای ضروری و اختیاری، حیاتی و غیر حیاتی، کوتاه مدت و میان مدت و دراز مدت تقسیم می کند (هالستی، ۱۳۷۳: ۲۲۹). هالستی، سمتگیری را ایستارها و تعهدات کلی یک دولت در برابر محیط خارجی و استراتژی اصلی آن برای تحقق هدفهای خارجی و داخلی و مقابله با تهدیدات مستمر میداند. با بررسی ساختار قدرت و اعمال واحدهای سیاسی در نظامهای بین المللی مختلف، دستکم میتوان سه سمتگیری انزواگرایی، عدمتعهد و ایجاد ائتلاف و تشکیل اتحاد را مشخص ساخت (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۶۵-۱۶۷). مفهوم نقش ملی را میتوان تعریفی دانست که سیاست گذاران از انواع متداول تصمیمات، تعهدات، قواعد و اقدامات مناسب برای دولتشان و دولتشان باید در شرایط گوناگون جغرافیایی و موضوعی به عمل می آورد (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۹۸)

به تعریف هالستی، سمت گیریها، نقشها و اهداف مجموعه ای از تصورات موجود در اذهان سیاستمداران، ایستارهایشان نسبت به جهان خارج، تصمیمات و آرزوهای آنها است. ولی آنچه این ایستارها و تصورات ذهنی رهبران را به دیگران معرفی می کند و نشان می دهد، رفتارها و اقدامات رهبرانی است که برای به اجرا در آوردن پاره ای از این سمت-گیریها، اجرای نقشها و یا کسب اهداف و دفاع از آنها در مقابل دیگران از خود نشان می دهند. هر عمل، در واقع برقراری ارتباط به شکل کنش و واکنش است که با عناصر قدرت ارتباط مستقیمی پیدا می کند و به شدت متأثر از قدرت و تاثیرگذاری یک کشور بر دیگر کشورها است (هالستی، ۱۳۷۳: ۲۴۸). تصمیم گیری در مورد سیاست خارجی یکی از بزرگترین ابزارهایی است که یک کشور برای دستیابی به منافع ملی خود در اختیار دارد. این فعالیت سیاسی برای همه ایالتها محسوب می شود. بدیهی است یک سیاست خارجی خوب

که یک کشور را در تحقق منافع ملی خود و کسب جایگاه شایسته در میان خیرخواهی ملتها هدایت می کند. از این رو مطالعه سیاست خارجی بخش مهمی از مطالعات بین المللی را تشکیل می دهد. (Bojang, 2018: 54). دانشمندان اتفاق نظر دارند که محیط داخلی کشور نیز از ماهیت و روند سیاست خارجی آن تأثیر می گذارد. کشورها از نظر اندازه، توسعه اقتصادی دارای اقتصادی متفاوت و رژیم سیاسی هستند. آنها در نهادسازی سیاسی و ساختارهای اجتماعی، توانایی های نظامی و اقتصادی و فرهنگ های استراتژیک خود همچنان دارای تفاوت هایی هستند. در همین راستا، افکار عمومی، تصورات نقش ملی، قوانین تصمیم گیری و ویژگی های شخصیتی رهبران سیاسی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. (Bojang, 2018: 67).

۱۴۱



بررسی تأثیر مسأله
هسته ای جمهوری
اسلامی ایران بر
نظم منطقه ای غرب
آسیا (۲۰۰۰-
۲۰۲۰)

در چارچوب نظریه روزنا، رفتار خارجی کشورها تحت تأثیر پنج عامل فردی (ویژگی شخصیتی و خصوصیت های روان شناختی، ژنتیکی و زیست شناسی رهبران تصمیم گیرنده)، نقشی (کارکردهای اختصاصی هر واحد ساختار)، حکومتی (بافت سیاسی جامعه نظیر دموکراتیک، اقتدارگرا، باز، بسته و مانند آن)، جامعه (میزان توانمندی های اجتماعی، منزلت و موقعیت جامعه) و متغیرهای محیطی (جنبه های انسانی و غیر انسانی محیط خارجی یک جامعه) شکل می گیرد و در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی هر کشوری باید به این پنج عامل توجه نمود تا با تلفیق سطوح خرد و کلان، بتوان درک جامع و واقع بینانه ای از روند سیاست خارجی آن کشور حاصل نمود.

تاریخچه انرژی هسته ای ایران و شکل گیری برجام

از اواخر جنگ جهانی دوم مشخص شد که فناوریهای چرخه سوخت هسته ای که بطور خاص برای مقاصد نظامی توسعه یافته اند، غنی سازی و پردازش مجدد اورانیوم، پتانسیل عمده ای برای کاربردهای صلح آمیز دارند اما ذاتاً دارای یک هدف دوگانه هستند و اگر به درستی کنترل نشوند، می توانند به استفاده نظامی منحرف شوند. اولین مسئله ای که سازمان ملل متحد در بدو تأسیس مورد توجه قرار داده بود، "مشکلات ناشی از کشف انرژی اتمی" بود. (Carlson, 2016: 1). آیت الله خمینی وقتی در سال ۱۹۷۹ به قدرت رسید، برنامه هسته ای را متوقف کرد. راه اندازی مجدد این برنامه چند سال بعد بر دستیابی به فناوری های سانتریفیوژ اورانیوم از طریق شبکه های تکثیر مستقر توسط بازرگانان اروپایی و پاکستان

صورت گرفت. ادعای تهران مبنی بر اینکه فعالیتهای هسته ای آن کاملاً صلح آمیز بوده است ، حتی روسیه ، شریک اصلی تلاش هسته ای خود را راضی نکرد و شورای امنیت سازمان ملل متحد مجموعه ای از تحریم های اقتصادی فزاینده فلج کننده را به تصویب رساند (Hecker, 2014: 7). در سال ۲۰۰۲ ، یک گروه مخالف ایرانی فاش کرد که برنامه هسته ای این کشور بسیار گسترده تر از آنچه تهران قبلاً به آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA) اعلام کرده بود می باشد. ایران معتقد است که تمام فعالیتهای هسته ای خود ، حتی آنهایی که قبلاً از آژانس بین المللی انرژی هسته ای پنهان شده اند ، برای اهداف صلح آمیز در نظر گرفته شده اند و توافق کرده است که تمام فعالیتهای هسته ای خود را تحت حمایت آژانس بین المللی انرژی هسته ای قرار دهد (CIRINCIONE, 2006: 8-9). ایران همچنین باید درباره تغییرات موجودی مواد هسته ای خود را به آژانس بین المللی انرژی هسته ای اعلام کند و در صورت لزوم گزارش تغییرات موجودی را ارائه دهد (International Atomic Energy Agency, 2003).

انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۹۲ تغییر مهمی در تلقی و رویکرد ایران در رابطه با امور بین المللی برجا گذاشت (موسویان، ۱۳۹۴: ۴۶۴). ایران و شش قدرت جهانی معروف به ۵+۱ (چین ، فرانسه ، آلمان ، روسیه ، انگلستان و ایالات متحده) در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ به توافق هسته ای تاریخی دست یافتند که برنامه هسته ای ایران را محدود و در ازای آن، نظارت را افزایش دهند (Masterson, 2020: 1). هدف اصلی جلوگیری از توسعه فناوری ایران برای ساخت بمب های اتمی بود. یکی از نتایج حاصله از این توافق ، تحریم های اقتصادی که قبلاً توسط ایالات متحده (ایالات متحده آمریکا) ، اتحادیه اروپا (اتحادیه اروپا) و شورای امنیت سازمان ملل متحد (برجام) اعمال شده بود ، در آغاز سال ۲۰۱۶ حذف شد (Argano, 2018: 3).

بررسی تأثیر پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران بر نظم منطقه ای غرب آسیا بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ براساس الگوی هالستی

۱- اعمال

محل تلاقی منافع ایران و ۵+۱ را در وهله نخست می توان منطقه غرب آسیا دانست. ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای قابلیت تأثیر گذاری بر تحولات غرب آسیا را دارد. نقش ایران به

عنوان یک قدرت منطقه ای از چند لحاظ قابل ملاحظه است. از لحاظ ژئوپولیتیک جایگاه ایران در شمال خلیج فارس و دارا بودن منابع انرژی، نظامی و انسانی تاثیر گذار، نقش ویژه ای به این کشور داده است. از سوی دیگر ایران با داشتن حکومت شیعی، دارای نفوذ قابل ملاحظه ای در کشورهای با جمعیت شیعه در غرب آسیا است. این عوامل باعث شده تا ایران نقش تعیین کننده ای در امور منطقه غرب آسیا ایفا نماید.

از سوی دیگر منطقه خغرب آسیا از جهاتی برای قدرت های بزرگ یا همان کشورهای ۵+۱ نیز دارای اهمیت می باشد. اولویت نخست غرب آسیا برای کشورهای بزرگ را بایستی در سهم خاورمیانه در منابع انرژی جستجو نمود. کشورهای بزرگ و صنعتی عموماً وارد کننده نفت و گاز می باشند. "جرج بوش" رئیس جمهور پیشین امریکا با دکترین مقابله با تروریسم به منطقه غرب آسیا لشکر کشید. اسلام هراسی، محور این مبارزه قرار گرفت و ایران هراسی نیز در پی حادثه ۱۱ سپتامبر اوج گرفت و اسلام به عنوان دین خشونت از سوی غرب معرفی شد.

تأثیر مستقیم برجام بر افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه به حدی آشکار است که مخالفان منطقه ای ایران از جمله عربستان سعودی و رقبای منطقه ای نظیر ترکیه به مداخلات و ماجراجویی های متقابل نظامی خویش در محیط پیرامونی افزوده اند؛ ترجیح می دهند که انزوای سیاسی و تحریم های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران همچنان پابرجا باشد تا تحولات منطقه را در راستای منافع خویش مدیریت کنند. برجام پیامدهای عمیقی بر معادلات منطقه غرب آسیا به ویژه بر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس داشته است. ایران از طریق برجام توانسته است موازنه منطقه ای را به نفع خودش بر هم زند. اجرایی شدن برجام با همه تأثیرهای مثبت اقتصادی و ژئوپولیتیک آن برای ایران نزد سعودی ها بی تردید یک باخت در صحنه معادله های منطقه ای قلمداد می شود و از همین رو عربستان توان نظامی خود را افزایش داده است.

وزیر خارجه ایران در سفر به کشورهای قطر، کویت، عمان و امارت بارها تاکید کرد که توافق هسته ای ایران با کشورهای ۵+۱ نه تنها تهدیدی برای کشورهای منطقه نیست بلکه ثبات و امنیت بیشتر در خاورمیانه ارمغان این توافق برای کشورهای منطقه خواهد بود. عربستان شطرنج سیاسی خود را با ایران به گونه ای تعریف کرده است که برد ایران مترادف با باخت عربستان تعریف می شود و امکان برد همزمان دو بازیگر در این عرصه منتفی است.

۱۴۳

روابط بین الملل

بررسی تأثیرمسأله
هسته ای جمهوری
اسلامی ایران بر
نظم منطقه ای غرب
آسیا (۲۰۰۰-
۲۰۲۰)

این واکنش‌های منفی ذکر شده در قبال توافق ژنو حاکی از افول جایگاه منطقه ای عربستان پش از این توافق است.

پیامد مثبت دیگر برجام، تقویت محور مقاومت است. با وجود اینکه در نتیجه تحولات پس از برجام بر روند قطبی شدن و پیچیدگی بیش از پیش معادلات استراتژیک منطقه افزوده شده، اما نه تنها دورنمای کلی آن حتی به حد قبل از توافق مبهم و تیره نیست، بلکه برای جمهوری اسلامی ایران بسیار روشنتر از گذشته است؛ زیرا در آن شرایط باید شاهد ضعف روزافزون و تدریجی موقعیت جمهوری اسلامی ایران به عنوان نقطه کانونی محور مقاومت و هم‌پیمانان و در مقابل تقویت روزافزون رقبا و دشمنان آن‌ها در منطقه بودیم، در حالی که اکنون جایگاه و مسیر پیش روی ایران بهتر و هموارتر از گذشته است (میرحسینی، ۱۳۹۴: ۱۲). در واقع، گرچه تمام بازیگران منطقه خود را متأثر از نتیجه برجام میدانند، اما واکنش همه آنها یکسان نبوده است. برخی از آنها، از جمله عربستان و اسرائیل به دلیل نگرانیهایی که از شکلگیری نظم آینده منطقه به زیان خود دارند، تمام تلاششان را به کار بسته اند تا باعث شکست آن یا حداقل مانع از اجرای کامل برجام و بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از نتایج آن شوند.

۲- نقش‌های ملی

انقلاب اسلامی ایران به حکومتی اسلامی منتهی شد که به قطع رابطه با آمریکا به عنوان استکبار و نفی موجودیت رژیم صهیونیستی پرداخته است (سریع القلم، ۱۳۷۹: ۲۱). به فاصله چند روز و چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی بحث صدور انقلاب به کشورهای منطقه و ایجاد حرکت‌هایی همانند تظاهرات ضدشاه در ایران در کشورهای چوچون عراق، بحرین و عربستان حکومت‌های این کشور را به وحشت انداخت و این حکومت‌ها شروع به سرکوب اسلام‌گرایان و شیعیان و حتی اخراج آن کردند (آقازاده، ۱۳۸۷). جمهوری اسلامی ایران و الگوی انقلاب اسلامی به عنوان تنها الگوی اسلامی است که از یک سو به دنبال ایجاد تعامل با کشورهای غیر معارض - مانند چین و روسیه و غیره - و کشورهای دوست - مانند عراق، سوریه و غیره - و نیز کشورهای اسلامی - به زعم رقابت و حمایت برخی از آنها از غرب مانند ترکیه، عربستان، قطر و غیره - و از سوی دیگر درصدد ایجا توازن با غرب به وسیله توسعه اقتصادی، سیاسی و نظامی خود است تا به جای اجبار به تغییر ساختار هویتی خود، به تثبیت خود در ساختار ژئوپلیتیکی منطقه ای و جهانی بپردازد. الگوی انقلاب

اسلامی ایران به واسطه شکل دهی به محور مقاومت در برابر کشورهای غربی و متحدانش و نیز فعال سازی ظرفیت های اعتراضی مسلمانان و به ویژه شیعیان، سبب شکل گیری یک هارتلند فرهنگی منطبق بر هارتلند(سرزمین قلب) انرژی در جهان شده است که هم از نظر معنایی و هویتی و هم از نظر مادی و منافع در منطقه و جهان، غرب را به چالش کشیده است (رشیدی و متقی، ۱۳۹۲: ۹۶). پس از پیروزی انقلاب، غرب و قدرت های بزرگ عملاً امتیاز حضور و دخالت مستقیم در جریان مسائل داخلی ایران را از دست دادند و در این میان حتی بازیگران حاشیه ای نیز به شدت تحت تأثیر قرار گرفتند. (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۸) با این اوصاف واکشش امریکا و غرب در مقابل این قدرت نوظهور و شکست های ناشی از سیاست ها و عملکرد آن، طیف وسیعی از سیاست ها و اقدامات مداخله جویانه و سلطه طلبانه نظیر بلوکه کردن دارایی های ایران، رویداد طبس، پشتیبانی امریکا از عراق در جنگ تحمیلی، و ... را در بر می گیرد (اطاعت، ۱۳۸۸: ۸).

۳-اهداف

اختلاف هسته ای ایران با غرب و ابعاد مختلف آن اساسی ترین موضوع سیاسی جمهوری اسلامی ایران طی سالهای اخیر بوده است و از جنبه های مختلف منافع ملی ایران را تحت تأثیر قرار داده است. در این راستا، نحوه برخورد آمریکا، به عنوان یک سیستم هژمونیک بین المللی، از این مسئله بسیار مهم است. بر این اساس، همزمان با آغاز پیشنهاد پرونده هسته ای ایران در جوامع بین المللی، ایجاد بحران توسط دولت ایالات متحده در دستور کار قرار گرفت. (Haghighi, 2017: 1) حفظ ساختار قدرت در سیستم بین الملل توسط ایالات متحده نیازمند برخورد شدید با جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهمترین مدل است. بر این اساس، تأکید بر "مارک جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور انقلابی" و "ایران باید مانند یک کشور عادی رفتار کند" جایگاه ویژه ای در جایگاه مقامات آمریکایی پیدا کرده است. در نتیجه، سیاست خارجی ایران (مقاومت منطقه ای و سیاست هسته ای) به عنوان یک رفتار غیرواقعی و غیر عادی نشان داده می شود. انرژی هسته ای یک صنعت بین المللی است که در عین حال به صورت بومی نیز از این منبع در مقیاس وسیع می توان بهره برداری کرد. (حاتمی راد: ۱۳۸۶: ۱۴۷) چند کشور معدود ادعا می کنند که ایران به دلیل دارا بودن ذخائر غنی نفت و گاز نیازی به بهره برداری از انرژی هسته ای ندارد و از اینرو استدلال می کنند که هدف ایران از پیگیری فناوری هسته ای، تولید سلاح هسته ای است. (غریب آبادی،

۱۳۸۷۵۶-۷۸). دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اتخاذ رویکردی منطقی‌های (و در صورت امکان بین‌المللی) در دفاع از ارزش‌های بنیادین جمهوری اسلامی ایران در تعامل با سیاست‌های خارجی، نقشی برجسته می‌کند. (آجیلی، ۱۳۹۳).

امروز جهان بر این باور است که بازدارندگی نظامی هسته‌ای، مانع جنگ است ولی ضامن بقا نیست. لذا در عصر تحول مفاهیم و تکثر نظریه‌های روابط بین‌الملل، امروز «بازدارندگی» مفهومی وسیع‌المنظر و کثیرالابعاد شده و دیگر محدود به ابعاد نظامی و هسته‌ای نیست. بازدارندگی، به مفهوم توانایی برای رفع تهدید و مقابله با مداخله‌گری و یکجانبه‌گرایی قدرت هژمون، امروز علاوه بر توانمندی و اقتدار نظامی، نیازمند حاکمیت مردمی با اقتصادی پویا و مقاوم همراه با توانایی بهره‌گیری از مؤلفه‌های قدرت نرم و بخصوص توانمندی‌های دیپلماتیک است (قاسمی، ۱۳۹۷). سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران، تأمین‌کننده منافع ملی و برآورنده اهداف ناشی از آن در مقابله با سایر واحدهای ملی و یا سازمان‌های بین‌المللی است. (خیری، ۱۳۹۳: ۴).

۴- سمتگیری

سمتگیری ایران در مسئله ی هسته‌ای در غرب آسیا مبتنی بر استراتژی اتحاد و ائتلاف با کشورهای همسو و دوست است. هرچند با سایر کشورها نیز خواستار اتحاد و ائتلاف است لیکن از نظر کشورهایمانند عربستان روند تحولات منطقه‌ای بیانگر این واقعیت است که ایران درصدد است به قدرت برتر منطقه‌ای تبدیل شده و ضمن مخالفت با حضور نیروهای فرامنطقه‌ای درصدد ایفای نقش برآید. در این راستا، فعالیت‌های ایران محور عمده نگرانی کشورهای عربی و غربی را فراهم کرده است. این عوامل شامل مسئله هسته‌ای ایران، افزایش توانمندی‌های نظامی و موشکی و نیز مداخله ایران در امور داخلی کشورهای منطقه می‌شود. دلایل مخالفت دولت‌های منطقه غرب آسیا بالاخص دولت‌های خلیج فارس با برنامه هسته‌ای ایران را می‌توان چنین برشمرد:

- ترس از قدرتمند شدن ایران و به ظعم خود، تغییر موازنه قوا در منطقه. آنها به صراحت می‌گویند که ایران هسته‌ای برای منطقه خطرناک است و منطقه را به رقابت‌های هسته‌ای می‌کشاند.

- دلیل دیگر نگرانی از آسیب‌های زیست محیطی است. آنها مدعی هستند که نیروگاه اتمی بوشهر در صورت بروز هر حادثه غیرمنتظره سبب بروز تشعشعات هسته‌ای

خطرناک خواهد شد و این امر بر محیط زیست، آب دریا و هوای منطقه اثراتی جبران ناپذیر خواهد گذاشت و آسیب های آن به طور مستقیم شامل کشورهای عرب خلیج فارس خواهد شد.

مسئله دیگر، اختلاف بر سر دخالت ایران در امور داخلی کشورهای منطقه از جمله عراق است. سقوط صدام نظم گذشته را در عراق فرو ریخت و هر یک از بازیگران منطقه ای و فرمانتقه ای در صدد برقراری نظم مورد نظر خود در این کشور بوده اند. صرف نظر از امریکا در بین کشورهای منطقه رقابت جدی بین ایران و عربستان جهت شکل دهی مناسب به روند اوضاع عراق بوده است. روی کار آمدن دولت شیعی در عراق، موجب ناخرسندی عربستان شده است. (نادری نسب، ۱۳۸۹: ۳۲۵) بنابراین با بروز تحولات جدید سیاسی در عراق و منطقه بی تردید جایگاه و اهمیت منطقه ای ایران افزایش پیدا کرده است. بر این اساس، حمایت از دولت مرکزی عراق و کمک به آن برای کنترل ناامنی و بی ثباتی و مدیریت تنش های قومی و مذهبی، حمایت از وحدت و حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی عراق و مدیریت متعادل گرایش ها و اختیارات واحدهای فدرال موجود بر اساس قانون اساسی عراق و نیز واحدهایی که احتمالاً در آینده شکل خواهند گرفت، در کانون سیاست خارجی ایران در قبال عراق پس از صدام قرار دارد. (واعظی، ۱۳۸۶: ۴) امریکا سعی دارد ایران را در کشورهای عربی، جایگزین اسرائیل کند یعنی نگرانی از اسرائیل به نگرانی از ایران سوق داده شود. به همین خاطر این کشورها در مقاطع مختلف زمانی و همگام با ایالات متحده و سایر کشورهای غربی بر ضرورت افزایش فشارهای سیاسی - امنیتی بر ایران و در صورت مقاومت ایران، بر ارتقای فناوری هسته ای، دیپلماسی زور و اجبار و تهدید به به کارگیری نیروی نظامی ائتلاف غرب علیه ایران تأکید داشته اند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۶۱) از سال ۲۰۰۶ به بعد، تلاش ایران برای دستیابی به فناوری صلح آمیز هسته ای و در کنار آن افزایش تهدیدات و مخالفت های غرب با این اقدام، فضایی را ایجاد کرده که با هراس آفرینی های غرب بازار خرید تسلیحات نظامی به وسیله اعراب را تشدید کرده است. یکی از اهداف ایران هراسی فروش تسلیحات به کشورهای منطقه و ایجاد رونق اقتصادی برای کشورهای غربی است که در این خصوص افزایش قیمت نفت نیز محرک این اقدام بوده است. (روحانی، ۱۳۸۸: ۱۹ و ۲۸)

۱۴۷



بررسی تأثیرمسأله
هسته ای جمهوری
اسلامی ایران بر
نظم منطقه ای غرب
آسیا (۲۰۰۰-
۲۰۲۰)

در واقع رویکرد قدرت‌های غربی به ویژه آمریکا در خصوص تخصص‌ها و مقابله‌گرایی علیه ایران و اقداماتی که تحت عنوان ایران هراسی مطرح است بر سیاست‌های نظامی-امنیتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس اثر گذاشته است. آمریکا و هم‌پیمانان غربی آن با قدرت‌سازی مجازی و ایجاد تصویر غیرواقعی از قدرت بازیگر رقیب یعنی ایران و توسعه توانمندی‌ها به طور همزمان آسیب‌پذیری‌های بازیگر را افزایش داده و نتیجه کاربرد این سیاست، ایجاد تصویر مجازی از تهدید مورد نظر است و نکته اینک کشورهای عربی و بخصوص کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در اقدامی همسو با دولت‌های غربی، مواضع آنها را تقلید و تکرار می‌کنند (ملک محمدی و داودی، ۱۳۹۱: ۲۴۴). در حالی که خاورمیانه صحنه تحولات مهمی می‌باشد، برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از موضوعات مهم بین‌المللی مورد چالش قرار گرفته و در این خصوص اسرائیل نقش فعالی را عهده‌دار است. از آنجا که توانمندی هسته‌ای ایران جدا از آنکه می‌تواند کشور را وارد باشگاه انحصاری هسته‌ای سازد، به طور بالقوه می‌تواند به برتری هسته‌ای انحصاری اسرائیل در خاورمیانه خاتمه دهد، نوعی حس رقابت در سران اسرائیل در قبال این مساله بوجود آمده است. ائتلاف خلیج فارس متشکل از شش کشور حاشیه جنوبی خلیج فارس است و با هماهنگی آمریکا در دهه ۱۹۸۰ بر ضد ایران تشکیل شده بود، تا پیش از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، به علت بهبود نسبی روابط سیاسی ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس، دچار ضعف و سستی شده بود. ولی با تحولات سال‌های ۲۰۰۳ به بعد در عراق که بموجب روی کار آمدن حکومتی با اکثریت شیعه برای نخستین بار در تاریخ این کشور شد، موجب ناخرسندی شدید کشورهای سنی عرب منطقه گردید و بزرگ‌نمایی و خطرناک جلوه دادن برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران از سوی آمریکایی‌ها و ... سبب شد تا مجدداً روحی تازه در کالبد این ائتلاف نیمه‌جان دمیده شود (امامی، ۱۳۸۴: ۶۰۱).

مقابله با نفوذ و بسط ایدئولوژی ایران در خاورمیانه از اهمیت ویژه‌ای در نزدیکی هرچه بیشتر ایالات متحده و عربستان برخوردار است. افزایش عمق استراتژیک ایران در خاورمیانه بالاخص در یمن و سوریه برخلاف منافع ایالات متحده، ضد امنیت رژیم صهیونیستی و در نهایت خطری است در جهت ادامه حیات عربستان. دولت جدید ایالات متحده در راستای مقابله با ایران که خطری بالقوه برای شرکای منطقه‌ای آن به حساب می‌آید بوسیله بازتعریف تهدید تروریسم و تروریسم پروری ایران، سعی در ایجاد ائتلاف منطقه‌ای علیه

ایران دارد. در مقابل وضعیت آنارشیک نظام بین الملل بعنوان مهمترین ویژگی این نظام باعث تلاش عربستان برای جستجوی امنیت از طریق ایجاد ائتلاف راهبردی با قدرت های بزرگ شده است (اسدی، ۱۳۹۶). در سالهای اخیر ایالات متحده بدلیل ناتوانی در آغاز جنگ جدید به منظور پیشبرد اهداف خود به جنگ های نیابتی روی آورده است. جنگ یمن یکی از جنگ هایی است که بدین منظور برای مقابله با حاکم شدن ایدئولوژی ایران در یمن، توسط عربستان سعودی اتفاق افتاد. با مراجعه به استراتژی ایالات متحده و منافع مشترک این دو کشور در منطقه، مهم ترین هدف این جنگ (یمن) مقابله با نفوذ ایران در جای جای خاورمیانه و جلوگیری از حاکم شدن ایدئولوژی ایران در منطقه است. یمن ستون فقرات امنیت ملی عربستان محسوب می شود و اگر هر تغییری در محیط سیاسی یمن اتفاق بیفتد یقیناً آن تغییرات را به عربستان تحمیل می کند (التیامی نیا، عزیزآبادی و تاجیک، ۱۳۹۶).

اقدامات هماهنگ آمریکا با ترکیه، اسرائیل و عربستان در منطقه غرب آسیا

دولت به رهبری بنیامین نتانیاهو اولویت های خود را بر روی سه عامل اصلی تعیین می کند: مخالفت با ظهور یک کشور فلسطین، تقویت قدرت نظامی اسرائیل، و به چالش کشیدن اهرم ایران در غرب آسیا. (Dentice, 2019). ترکیه اولین کشور با اکثریت مسلمان بود که به طور رسمی کشور اسرائیل را به رسمیت شناخت، تنها یک سال پس از اعلامیه دولت یهود (۲۸ مارس ۱۹۴۹). اسرائیل تأمین کننده مهم اسلحه به ترکیه بود. همکاری های نظامی، استراتژیک و دیپلماتیک بین ترکیه و اسرائیل توسط دولت های هر دو کشور در اولویت قرار گرفته است که نگرانی های مربوط به بی ثباتی های منطقه ای در غرب آسیا را به اشتراک می گذارد (Zvi Bar'el, 2009). ایران هراسان مدعی هستند که ایران به دنبال دستیابی به سلاح های کشتار جمعی خصوصاً تسلیحات هسته‌ای است تا در برابر اسرائیل - دشمنی که از قبل به این تسلیحات دسترسی دارد - از خود دفاع کند (عابدی، ۱۳۹۸: ۱۱).

تضاد بنیادین آمریکا با ایران، موضوع اسرائیل است و حتی از لحاظ متدلوزیک در وزن گذاری متغیرها ی دخیل در تقابل ایران و آمریکا، موضوع اسرائیل و امنیت اسرائیل به صورت کمی نزدیک به ۸۰ درصد مشکل را تشکیل می دهد (سریع القلم، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۵). در نگاهی دیگر پروژه ایران هراسی عربی با توجه به موضوع اختلاف بین شیعه و سنی با هدف ایجاد رعب و ترس در میان کشورهای عربی سنی مذهب منطقه تحت عنوان خطر گسترش

قدرت تشیع با محوریت ایران و همچنین اثرپذیری از تبلیغات سنگین و احساس خطر در برابر گسترش و نفوذ شیعه، از سوی دولتمردان کاخ سفید و سران رژیم صهیونیستی دنبال می‌گردد و همین مسئله زمینه مسابقه تسلیحاتی را برای کشورهای عربی فراهم می‌کند تا از این رهگذر مجتمع‌های تسلیحاتی و نظامی آمریکا از رونق کاری برخوردار گردند. (جنگ نرم، ۱۳۸۹: ۵). بر اساس توافق برجام، تحریم تسلیحات سبک و متعارف ایران در سال ۲۰۲۰ و تحریم تسلیحات سنگین و موشکی در سال ۲۰۲۳ و در سال ۲۰۲۵ هم قطعنامه‌های پیشین سازمان ملل علیه ایران که عمدتاً قطعنامه‌های فصل هفتمی بودند دیگر قابلیت بازگشت خود را از دست می‌دهند. بنابر این نتایج با برجسته سازی تهدید موشکی ایران سعی می‌کند که این تحریم‌ها تمدید شود. (محمد مراد، ۱۳۹۸: ۳-۴). نتایج در دیدار با جان بولتون، مشاور امنیت ملی ایالات متحده در اواسط ماه اوت ۲۰۱۸، ترامپ را به خاطر کنار گذاشتن توافق هسته‌ای "وحشتناک" تقدیر کرد. در همان جلسه، نتایج ادعای مورد علاقه و بی‌اساس خود را تکرار کرد که توافق هسته‌ای "مسیر ایران را به سمت بمب مسدود نکرده است"، اما در واقع "مسیر ایران را به یک زرادخانه هسته‌ای هموار کرده است" (Meir, 2018: 14). اسرائیل ایران را به دلیل برنامه‌های هسته‌ای و موشکی، حمایت از گروه‌های خشن ضد اسرائیل در منطقه و فراخوان‌های مکرر برای نابودی کشور یهودی، یک تهدید وجودی می‌داند. (DEITCH, 2018: 6). در فضای به چالش کشیده شدن برجام و نقض آن توسط ایالات متحده آمریکا، بازیگرانی همچون عربستان سعودی، امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی از این تصمیم دولت ترامپ به شدت استقبال کردند (O'Connor, 2018). بازدید گسترده مقامات ارشد اسرائیل به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نشان از عجله کشورهای خلیج فارس برای "دوستی" با اسرائیل دارد. رقابت خارجی ایران و عربستان در بستر دو مکتب مذهبی متفاوت به لحاظ متنی (شیعه و اهل سنت) وقوع یافته است. دو کشور به شکل بنیادی در موضوع مذهبی اختلاف نظر دارند. عربستان خود را داعیه دار جهان اسلام می‌پندارد و حمایت از شبه نظامیان اهل سنت از جمله داعش یا القاعده در بحران‌های خاورمیانه و شمال آفریقا از جمله اقدامات این کشور در این زمینه است. (Commins, 2014: xvi)

استراتژی تدافعی در دکترین هسته ای ج.ا.ایران در غرب آسیا

بسیاری از تحلیلگران با بررسی چالش های موجود در محیط امنیتی دولت جمهوری اسلامی ایران، سیاست این کشور در جهت سازش ناپذیری هسته ای را ناشی از محاسبات عقلانی و در جهت تلاش برای ایجاد بازدارندگی علیه تهدیدات موجود و یا تهدیدات در حال ظهور منطقه ای عنوان می کنند. در همین راستا معتقدان به این دیدگاه به تجربه تاریخی مقامات دولت ایران در جنگ با عراق اشاره کرده و بیان می کنند که مقامات دولت جمهوری اسلامی ایران با کسب تجربه های عینی از این جنگ، واقع گرایی و حفظ امنیت را در دستور کار خویش قرار داده و سیاست های هسته ای ایران را ناشی از واکنش طبیعی آن به تهدیدات منطقه ای و در راستای بازسازی قدرت هسته ای ایران را ناشی از واکنش طبیعی آن به تهدیدات منطقه ای و در راستای بازسازی قدرت ملی و ارتقای سیاست های دفاعی این کشور می دانند. محیط منطقه ای غرب آسیا، محیطی ناامن است که دارای ویژگی های چون: همسایگان متخاصم و غیر قابل اعتماد، فقدان اتحاد با قدرتی بزرگ، وقوع پنج جنگ مهم در کمتر از ۲۵ سال و نهایتاً در برگرفتن قدرت های هسته ای همچون اسرائیل است و دقیقاً به سبب همین شرایط است که جمهوری اسلامی ایران به ناچار بایستی برای تأمین امنیت خود به بازدارندگی مؤثر روی آورد. جمهوری اسلامی ایران در زمره کشورهایی است که نقش منطقه ای خود در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را بر اساس الهام بخشی تعریف کرده است. بنابراین طبیعی است که دیپلماسی دفاعی امنیتی ایران می بایست متکی بر بازدارندگی همه جانبه، عناصر قدرت نرم و در تعامل سازنده با جهان باشد. این در حالی است که تحولات گوناگون در سطح نظام بین المللی و رویدادهای گسترده در محیط منطقه غرب آسیا و همچنین تهدیدات نامتقارن، نوعی استراتژی بازدارندگی را مطرح می سازد که ضمن دارا بودن موازنه عقلی و دینی، ترکیبی از ایدئولوژی، پراگماتیسم و عقلانیت بوده و سه اصل عزت، حکمت و مصلحت را سرلوحه خود قرار می دهد (مرسلی، ۱۳۹۶: ۵۴).

آنچه در منطقه غرب آسیا برای بازدارندگی در سیاست هسته ای ایران دارای اهمیت می باشد، نخست حضور آمریکا در منطقه و دوم هسته ای بودن رژیم صهیونیستی است که به دلیل رابطه خصومتی هر دو با ایران عملاً منطقه را به درون حوزه بازدارندگی ایران وارد می سازد. ایران به عنوان کشور سامان دهنده به نظم غرب آسیا، با دارا بودن توان نظامی بالا و قدرت نرم در منطقه که سبب شده قاطبه مسلمانان از وضعیت انزوا به نیروهای تأثیرگذار

منطقه تبدیل شوند؛ طبیعی است که خواهان قدرت برای ثبات سیاسی و پایداری خود باشد. امروزه دولت قدرتمند دولتی نیست که تنها نیروی نظامی گسترده متعارف یا هسته‌ای دارد، بلکه تکیه بر توانایی‌های نظامی و اطلاعاتی در خارج از مرزهای کشور و توسط گروه‌های مدافع، مهم‌ترین ابزار قدرت محسوب می‌شود. که ایران در این زمینه نیز می‌تواند صاحب قدرت بازدارنده در منطقه باشد.

اعمال سیاستهای تنش زای ایران در منطقه غرب آسیا

جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری آزاد و مستقل و به دلیل موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک همواره در تحولات منطقه ای و بین المللی تاثیرگذار بوده است. صدور تفکر مقاومت و مبارزه با استعمار، امپریالیزم، استبداد و خودکامگی و پیشرفت های علمی و تکنولوژیک، و نیز نهضت مشروطه، ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ه. ش در بعد داخلی و مقاومت هشت ساله در جنگ تحمیلی و مدیریت بحران هسته ای در سطح منطقه ای و بین المللی از نمونه های بارز و تاریخی این نقش آفرینی ها است. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران به شکل عملی و عینی، برخی کشورهای اسلامی غرب آسیا را پس از چندین سده از انزوا و سکون خارج کرده و به سوی هم گرایی سوق داده و انرژی آزاد شده ی آن را به عنوان موتور محرکه ی همه ی تحولات و خیزش جریان ها و جنبش های اسلامی در آورده و مردم مسلمان منطقه به ویژه غرب آسیا را نسبت به حق و حقوق و توانایی های خود آگاه کرده است. از سوی دیگر طلسم شکست ناپذیر بودن غول استعمار و امپریالیسم را ابطال کرده و این مسأله خود، جسارت و اعتماد به نفس را به ملت های مسلمان به ویژه غرب آسیا بازگردانده است. هم چنین در فرآیند ظهور، توسعه و تثبیت خود، به عامل منحصر به فردی در احیاء، پایداری و توسعه بیداری اسلامی و در شرایط کنونی به مرکز سازما ندهی هم گرایی اسلامی در منطقه ی غرب آسیا تبدیل شده است. ملت های مسلمان منطقه و جریان های فعال متأثر از متن مردم جوامع اسلامی، شعائر و شعارهای انقلابی ایران مانند جهاد، شهادت و ایثار را به عنوان اصول اساسی مبارزاتی خود پذیرفته اند و گروه های منسجم و سازمانی کوچک و بزرگ تحت عنوان جنبش های اسلامی با استناد و با اعتقاد ب ه اسلام در سطح محلی، ملی، منطقه ای و بین المللی ظاهر شده اند. این جنبش ها که از حمایت مردم جوامع خود نیز بهره مند هستند به شدت در کانون توجه کشورهای دیگر

قرار گرفته اند. هم‌گرایی منطقه‌ی غرب آس یا به عنوان یک آگاهی جمعی با تکیه بر اراده عمومی و متأثر از اسلام اصیل تحت مدیریت جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی تبدیل به یک رفتار سیاسی شده و در قالب یک ایده‌ی سیاسی ساماندهی شده است. این هم‌گرایی مرحله تکاملی را پشت سر گذاشته و به عنوان یک مدل سیاسی رخ نموده است. معادلات منطقه‌ای در حرکت رو به جلوی خود هم‌سو با منافع و مصالح اسلام و جنبش‌های اسلامی و کاملاً در تضاد با برنامه‌ها و آرمان‌های قدرت‌های غرب در حال رقص خوردن است. این مسأله، خود باعث تغییر موازنه‌ی قدرت به نفع کشورها و جنبش‌های اسلامی میان‌ه‌رو با پشتوانه‌ی فرهنگی جمهوری اسلامی شده است. جبهه‌بندی فکری جدیدی میان جریان‌های اصیل اسلامی با آمریکا و جریان‌های وابسته با آن تشکیل شده و غرب آسیا را در قالب یک قیف ژئواستراتژیک در مرحله‌ی سرنوشت‌سازی از هم‌گرایی قرار داده است

در دنیایی که رقابت در آن لجام‌گسیخته است، کشورها به تنهایی قادر به دست‌یابی به اهداف استراتژیک خود نیستند و چاره‌ای جز پیوستن به اتحادهای استراتژیک منطقه‌ای ندارند. از مهم‌ترین همکاری‌های مشترک، اتحاد برای رفع تهدیدهای امنیتی و حصارهایی است که در مسیر پیشرفت و توسعه‌ی اعضای اتحادیه قرار دارد. به عبارت دیگر، آمیختگی و وصف‌ناپذیر فرهنگی، اطلاعاتی و اقتصادی کشورها شرایطی را پدید آورده است، که وضعیت امنیتی آن‌ها نیز بر یک دیگر تأثیر نموده و ناامنی یک کشور می‌تواند به آسانی کشور‌های همسایه و منطقه را ناامن نماید. بر اساس نظریه‌ی بری بوزان و اهمیت یافتن مجموعه‌های امنیتی در هر منطقه از جهان، جمهوری اسلامی ایران به عنوان بزرگ‌ترین کشور منطقه‌ی غرب آسیا با داشتن پتانسیل‌هایی مانند منابع نفت و گاز، جمعیت نسبتاً بالا و وسعت خاک، دسترسی به دریا‌های آزاد و استراتژیک جهان مانند خلیج فارس، دریای عمان و هم‌چنین دریای خزر و در نهایت مولفه‌های قدرت نرم مانند توان بالایی ایدئولوژی اسلامی در حمایت از مستضعفین و کشورهای ضعیف منطقه می‌تواند به عنوان یک کشور محوری در تحولات کشورهای غرب آسیا تأثیرگذار باشد و روند هم‌گرایی را در منطقه غرب آسیا تقویت کند.

از طرفی ترس از قدرت‌یابی شیعیان در منطقه غرب آسیا، در مواضع سیاسی حکام عرب و فتوای علمای وهابی و رهبران القاعده نمود یافته است. فتوای حرمت کمک به

حزب الله در جنگ 33 روزه توسط علمای الازهر و مفتی‌های عربستان و نیز نگرانی شاه اردن از شکل‌گیری هلال شیعی با محوریت جمهوری اسلامی ایران بیانگر وحشت پنهان رژیم‌های عرب از این واقعیت است. یوسف قرضاوی که ریاست اتحاد جهانی علمای اسلام را به عهده دارد اعلام کرد: که علویون و نصیرییه کافرتر از یهود و نصارا هستند. وی همه مسلمانان عالم را به رفتن به سوریه و جنگ در مقابل نظام سوریه فراخواند. این مفتی تکفیری، حزب الله را خواند و حمایتش از مقاومت در جنگ سی و سه «حزب الشیطان و الطاغوت» روزه را ناشی از عدم بصیرت دانست (القرضاوی، ۱۳۹۰) ایشان هم چنین برای وقتی که در راه نزدیک شدن شیعه و سنی به یک دیگر صرف کرده تأسف خورده و دلیل آن را این گونه بیان کرده است که این دو مذهب هیچ وجه مشترکی ندارند زیرا ایرانیان می‌خواهند تمام اهل سنت را ببلعند (القرضاوی، ۱۳۹۲)

در جریان این تحولات از انجاییکه اتحاد استراتژیک به عنوان یک رابطه‌ی مشترک بین دو یا چند کشور با هدف تحقق بخشیدن به اهداف سازگار دوجانبه و چند جانبه بمنظور دست‌یابی به آن‌ها به تنهایی مشکل است و به عنوان ترتیبات همیارانه میان دو یا چند کشور برای پیشرفت موقعیت رقابتی آنها بوجود آمد که به وسیله منافع مشترک بین کشورهای منطقه حاصل گردید در واقع اتحاد و در عین حال مستقل باقی می‌مانند (Johansson, 2008) استراتژیک توافق نامه‌ای که بین دو یا چند کشور است برای پیدایش مجموعه‌ای از اهداف مورد تأیید متحد می‌شوند. در این راستا اتحاد استراتژیک بر سه مبنا استوار است: مشارکت بین شرکاء چه به صورت رسمی و قراردادی و چه به صورت غیررسمی، وجود حداقل دو شریک، دستیابی به اهداف استراتژیک (مدیریت نوین 1391) منطقه اتحاد استراتژیک در غرب آسیا به این واقعیت بر می‌گردد که بازی‌های آینده در منطقه‌ی خاورمیانه نه تنها بر اساس ایدئولوژی است، بلکه برای تثبیت حوزه‌های نفوذ و نقش‌ها صورت می‌پذیرد. بنابراین حمایت جمهوری اسلامی ایران از گروه‌های هم سو هم چون مجلس اعلا و حزب الدعوه در عراق، حزب الله لبنان، حتی گروه‌های کردی و حزب بعث سوریه را علاوه بر مسائل ایدئولوژیک، باید نوعی واقع‌گرایی، که با هدف دست‌یابی به منافع ملی و استراتژیک انجام می‌گیرد، ارزیابی کرد. از سوی دیگر ساخت قدرت و سیاست در منطقه‌ی غرب آسیا به گونه‌ای است که همواره درجه‌ای از رقابت‌ها، اعم از سازنده یا غیر سازنده، در بین بازیگران اصلی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای وجود خواهد داشت. در چنین شرایطی به همان

اندازه بر اهمیت و نقش حضور بازی گران و قدرت های اصلی منطقه هم چون ایران که دارای پایه های مستقل قدرت، به خصوص از جنبه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هستند، به عنوان عنصر متعادل کننده قدرت در سطح منطقه، روز به روز افزوده می شود. بنابراین اتحاد استراتژیک ایران، عراق، سوریه و لبنان در قالب منجر به آن خواهد شد که یک اتحاد قدرتمند در "قیف ژئوپولیتیک غرب آسیا" غرب آسیا شکل گیرد که می تواند سرآغاز نوعی منطقه گرایی مثبت و آینده نگر، جهت کاهش بسیاری از چالش های منطقه ای گرد.

سیاست بازدارندگی منطقه ای ایران

در این مبحث با بررسی مواردی چون: اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه پیوستن به تمامی معاهدات مربوط به منع تکثیر سلاح های کشتار دسته جمعی، مواضع اعلامی مقامات نظام در ارتباط با سلاح هسته ای و جایگاه آن در رهنامه امنیتی- دفاعی دولت ایران، نتایج گزارش های آژانس بین المللی انرژی اتمی در ارتباط با فعالیت های هسته ای این کشور و همچنین بررسی توان بازدارندگی متعارف دولت ایران، به این نتیجه خواهیم رسید که برخلاف اظهارات ارائه شده برخی محافل بین المللی بر نظامی بودن فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی در جهت ایجاد بازدارندگی منطقه ای، دولت ایران حتی اگر به توانایی ساخت این سلاح ها نیز رسیده باشد، به هیچ وجه به دنبال ساخت و مورد استفاده قرار دادن آنها نیست؛ چرا که رهبران دولت جمهوری اسلامی ایران براساس مبانی فقهی و با ایجاد رویه در جهت پیوستن به تمامی معاهدات منع گسترش تسلیحات کشتار دسته جمعی و همچنین از طریق مواضع رسمی خود، نشان داده اند که سلاح های هسته ای هیچ جایگاهی در رهنامه دفاعی- امنیتی کشورشان نداشته و آنها فقط به دنبال انرژی و فناوری صلح آمیز هسته ای بوده و بر این اعتقادند که هیچ کشوری را نمی بایست از دستیابی به این فناوری محروم گردانید.

تهدیدات جدی ای که می توان برای دولت جمهوری اسلامی ایران در محیط امنیتی غرب آسیا در نظر گرفت، تهدیدات ناشی از وجود اسرائیل در منطقه خاورمیانه و همچنین وجود نیروهای نظامی و امنیتی دولت آمریکا در همسایگی با ایران (عراق، خلیج فارس) می باشد. در این زمینه نیز به نظر می رسد که دولت جمهوری اسلامی ایران با تجربه های ناشی از جنگ با عراق، درصدد بوده تا نیروی دفاعی خود را برای مقابله با تهدیدات منطقه ای به

خصوصاً از جانب اسرائیل افزایش دهد. در همین زمینه کامران طارمی در مقاله‌ای تحت عنوان «موشک‌های بالستیک و نیروی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، سعی کرده به ارزیابی دقیق بازدارندگی این سلاح‌ها بپردازد. وی با بیان اینکه در حال حاضر عنصر اصلی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران براساس موشک‌های بالستیک این کشور است، استدلال می‌کند که این موشک‌ها که مهم‌ترین آنها موشک‌های میان‌برد شهاب ۳ یا برد ۱۳۰۰ کیلومتر است، می‌توانند باعث تقویت قدرت بازدارندگی دولت ایران در قبال تهدیدات هسته‌ای منطقه‌ای شده و بدین ترتیب از به خطر افتادن امنیت سرزمینی این دولت جلوگیری نمایند. بدین ترتیب با بررسی اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه پیوستن به تمامی معاهدات مربوط به سلاح‌های کشتار دسته‌جمعی، مواضع اعلامی این کشور مبنی بر صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای، نتایج گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین بررسی قدرت بازدارندگی متعارف این دولت در قالب موشک‌های بالستیک، می‌توان به این نتیجه رسید که رفتار دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه هسته‌ای را نمی‌توان در قالب یک رفتار امنیت‌جویانه و برای مقابله با تهدیدات امنیتی این کشور و در جهت ساخت سلاح‌های هسته‌ای قرار داد. (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۰، ۱۰۸).

استدلال‌های ایران برای استفاده از انرژی هسته‌ای

الف) مبانی استدلالی و منطقی: کشور ایران اسلامی به جهت داشتن منابع بزرگ نفت و گاز نمی‌تواند متکی به انرژی فسیلی باشد و علل زیادی در توجیه این وضعیت دارد که اهم آن‌ها عبارتند از:

- محدودیت منابع فسیلی و تعلق آن‌ها به نسل‌های آینده
- افزایش بهره‌وری این منابع در صورت استفاده در صنایع تبدیلی
- بالا بودن شدت مصرف انرژی در ایران و بالا رفتن تقاضای انرژی الکتریکی
- بالا بودن یارانه‌های پنهان بابت مصرف سوخت.

مصرف زیاد منابع فسیلی نفت و گاز در ایران به شدت ارزش حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبیعی را تحت الشعاع خود قرار داده است (غریب آبادی، ۱۳۸۶: ۷۷)

ب) تولید سوخت هسته‌ای: این برنامه یکی دیگر از محورهای توسعه فناوری هسته‌ای ایران است که ساخت انواع نیروگاه‌های اتمی تحت نظارت آژانس ایران و حجم سوخت

مورد نیاز آن‌ها ایران را ملزم به تأمین سوخت مورد نیاز آن‌ها در داخل و خارج می‌کند (اسدی، 1385: ۳۵)

ج) تولید برق هسته‌ای: از مهم‌ترین منابع استفاده‌شده برای سوخت‌کشی‌ها، زیرساخت رآکتورهای هسته‌ای جهت تولید برق و استفاده از آن برای سوخت‌کشی‌ها، زیر دریایی‌ها، رادیو ایزوتوپ‌ها، تحقیقات علمی و مقاصد آزمایشی و آموزشی است و مهمترین هدف ایران در توسعه فناوری هسته‌ای، تولید برق هسته‌ای است که این هدف براساس داده‌های آماری جمعیتی و رشد مؤلفه‌های اقتصادی کشور و عرصه‌ی انرژی در این خصوص تعیین شده است.

۱۵۷

د) کاربردهای علوم و تکنولوژی: مهم‌ترین کاربردهای علم هسته‌ای در نتیجه تلاش پژوهش‌گران و مهندسين هسته‌ای عبارتند از:

استفاده از پلوتونیوم یا فرآیند شکاف هسته اورانیوم جهت تولید برق، شیرین کردن آب دریاها، استفاده از رادیو ایزوتوپ‌ها در علم پزشکی، کشاورزی و صنعت و استفاده از پرتوهای ناشی از فرآیند هسته‌ای در علم پزشکی، صنایع و کشاورزی. استدلال‌های جمهوری اسلامی ایران از به لحاظ ماهوی و فنی و جاهت کافی برای طرح در جامعه‌ی بین‌المللی را دارد با این حال نگاه نخبگان علمی و محافل پژوهشی کشور‌های حوزه‌ی خلیج فارس در خصوص فناوری هسته‌ای ایران، اغلب دوگانه بوده است؛ از یک طرف آنان تمایل دارند که با توجه به سیاست‌های سلطه‌طلبانه‌ی اسرائیل در منطقه و اقدامات آن کشور در مورد مسأله‌ی فلسطین، جمهوری اسلامی ایران بتواند به نوعی بازدارندگی اتمی در مقابل اسرائیل نایل آید و با اقدامات تاکتیکی و استراتژیکی خود سلاح هسته‌ای را درآموزه‌ی دفاعی ایران وارد نکند و از طرف دیگر معتقدند با توجه به وزن سیاسی، اقتصادی، جمعیتی و جغرافیای سیاسی، برنامه اتمی و موشکی ایران، در صورت گسترش برنامه هسته‌ای آن، این خطر وجود دارد که ایران به طور کامل بر دولت‌های خلیج فارس سیطره پیدا کند.

پیچیدگی مسأله‌ی هسته‌ای ایران و هدایت دیپلماسی عمومی، بسیاری را در جهان عرب متقاعد ساخته که تلاش‌های غرب در جهت کنترل هر قدرت در حال ظهور است و به عنوان بحرانی در ابعاد جهانی تلقی نم‌یشود. بسیاری از اعراب خلیج فارس به ویژه در سطح توده‌ها (اسدی، مرکز تحقیقات استراتژیک، 1393) با وجود اعتقاد بعضی از توده‌ی روشن‌فکر اعراب نسبت به تأثیر مثبت این فناوری، باز محوری بودن منطق توازن قوا در دید سیاست



مداران از سال 2005 م منجر به نگرانی و واکنش‌هایی شد که بعدها باعث واکنش غیر آشکار از جمله صرف هزینه‌های بسیار گزاف در قبال خرید تسلیحات نظامی از غرب به خاطر دیپلماسی انتشار ایران هراسی کشورهای غربی شد. اوج این التهاب بین سال‌های 2005 م تا قبل از توافق ژنو بود که نتیجه‌ی این امر کاهش قدرت منطقه‌ای و تغییر موازنه‌ی قدرت به ضرر ایران بود اما بعد از توافق ژنو، کشورهای غربی و در رأس آن‌ها آمریکا قدرت منطقه‌ای ایران را به رسمیت شناخت و در بعد داخلی کشور از لحاظ اقتصادی خود را در حال بازیابی یافت. این مسأله جایگاه منطقه‌ای ایران را دوباره زنده کرد و در روابط دو جانبه و چند جانبه با کشورهای مهم منطقه‌ی ای و فرا منطقه‌ای را بهبود بخشید.

با این حال هنوز محورهای اصلی کشورهای خاورمیانه یعنی تکیه به دیپلماسی و اعمال فشارهای بازی گران و سازمانهای فرامنطقه‌ای، اتکا به توانایی نظامی امنیتی آمریکا در منطقه، جلوگیری از گسترش دامنه‌ی دشمنی و تنش با ایران و در نهایت جلوگیری از پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران، هم‌چنان تداوم دارد (اسدی، مرکز تحقیقات استراتژیک، 1393). پس از تهاجم عراق به کویت، خلیج فارس تبدیل به یک انبار بزرگ اسلحه و مهمات شد. خریداری مقادیر معتدله‌ی تسلیحات نظامی، روز به روز توسط اعراب منطقه‌ی افزایش یافت که شامل ادواتی هم‌چون جنگنده‌ها و بالگردها و موشکهای پیشرفته‌ای است که نگهداری از آن‌ها نیازمند لجستیک تخصصی و مستمر است. بنابراین هم‌چنین خریداری این تسلیحات و هم‌چنین نگهداری از آن‌ها به مقدار بسیار نیرو و پول نیاز دارد. افزایش روند نظامی‌گری در منطقه احساس بدبینی کشورها را به یک‌دیگر افزایش داده و احتمال درگیری‌های نظامی را قوت بخشیده است. از سوی دیگر غرب هم‌چنان نگران از دست دادن منافع نفتی خود در منطقه است و خواهان به دست گرفتن کنترل کامل ذخایر نفتی - که 65 درصد از کل ذخایر انرژی جهان را در بر میگیرد - است. با توجه به این که منطقه‌ی خلیج فارس 70 درصد سوخت مورد نیاز ژاپن و بیش از 50 درصد سوخت اروپا را تامین می‌کند، بسیار برای غرب اهمیت دارد. کنترل ذخایر نفتی منطقه‌ی خلیج فارس تسلط بر درآمدهای نفتی کشورهای صاحب‌نفعت خلیج فارس و سوق‌دادن درآمدها به سوی ایجاد تقاضا برای اقتصاد غرب را سبب می‌شود. ایالات متحده آمریکا در سال 2011 م در مجموع 57 میلیارد دلار تجهیزات نظامی به شش پادشاهی عرب منطقه‌ی خلیج فارس فروخته است که این رقم 60 درصد کل تسلیحات فروخته شده این کشور در این سال به شمار می‌آید. بنا به گزارش وزارت دفاع

آمریکا، در اواخر سال 2011 م عربستان سعودی سفارش 80 میلیارد دلار ادوات جنگی را به این وزارت داده است و امارات متحده عربی قرارداد نصب سپر دفاع موشکی به ارزش سه میلیارد دلار را با این کشور بسته است. با این که کشورهای اغلب رانتی منطقه ی خلیج فارس آمارهای مربوط به خریدهای تسلیحاتی خود را در بیشتر موارد آشکار نمی کنند، جدول زیر که به کمک مراکز رسم یصادر کننده ی تسلیحات گردآوری شده است - تا اندازهای گویای میزان واردات تسلیحات از قدرتهای بزرگ جهانی بین سالهای 2000 تا ۲۰۱۰ م در این منطقه ی است:

کشورها	ایران	عربستان	عراق	کویت	قطر	امارات	بحرین	عمان
۲۰۰۰	۷۴۰۹	۲۳۵۲۳	-----	۴۰۲۳	-----	۱۰۹۴۰	۳۶۸	۲۶۲۱
۲۰۰۱	۸۱۷۵	۲۵۰۵۳	-----	۳۹۵۴	-----	۱۰۵۷۵	۳۸۷	۳۰۴۹
۲۰۰۲	۶۱۴۸	۲۱۹۹۵	-----	۴۰۸۰	۱۵۸۸	۹۷۲۵	۴۶۲	۳۱۴۰
۲۰۰۳	۷۱۹۵	۲۲۱۵۷	-----	۴۳۹۶	۱۶۰۲	۱۰۲۰۱	۸۳۱	۳۳۰۳
۲۰۰۴	۹۱۰۹	۲۴۶۳۲	-----	۴۷۳۲	۱۴۷۶	۱۱۰۱۶	۵۳۵	۳۷۱۳
۲۰۰۵	۱۱۲۹۶	۲۹۶۸۰	۲۸۴۵	۴۵۸۰	۱۵۶۹	۱۰۲۵۴	۵۲۹	۴۴۷۶
۲۰۰۶	۱۲۲۳۳	۳۳۸۰۹	۲۳۸۳	۴۵۵۰	۱۶۵۷	۱۲۰۹۸	۵۷۶	۴۷۸۶
۲۰۰۷	۱۰۱۵۸	۳۳۹۴۶	۲۰۹۷	۵۱۰۹	۲۰۲۰	۱۳۰۵۲	۶۰۹	۴۸۴۹
۲۰۰۸	۹۱۷۴	۳۸۲۲۳	۵۳۲۴	۴۴۶۰	-----	-----	۶۵۱	۴۶۷۱
۲۰۰۹	-----	۳۹۲۵۷	۴۱۵۶	۴۵۸۹	-----	-----	۷۲۱	۴۰۰۳
۲۰۱۰	-----	۸۷۲۵۷	-----	-----	-----	۴۲۳۵۶	-----	-----
۲۰۲۰	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----

Source: SIPRI Military Expenditure Database

نتیجه گیری

در این تحقیق با استفاده از نظریه ی هالستی در پی پاسخ به این سؤال که مسأله هسته ای جمهوری اسلامی ایران بر نظم منطقه ای غرب آسیا بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ چه تأثیراتی دارد؟ این فرضیه که مسأله هسته ای ایران موجب ایجاد ایران هراسی در بین کشورهای غرب آسیا شده و عدم اعتماد میان کشورهای منطقه و برهم زنده نظم منطقه می باشد، ثابت شده است. در این مقاله چهارچوب نظری سیاست هسته ای از دیدگاه هالستی

مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا چهار بعد الگوی هالستی شمال اهداف، اعمال، سمتگیری و نقش‌های ملی در راستای رویکرد هسته‌ای ایران در غرب آسیا را مورد بررسی قرار داده‌ایم. در راستای انطباق چارچوب نظری با موضوع پژوهش می‌توان گفت که از یک سو ایران و برخی کشورهای غرب آسیا مانند سوریه با یکدیگر همکاری می‌کنند (رویکرد اتحاد و ائتلاف در سمتگیری)، اما با برخی دیگر از کشورها مانند عربستان برطبق الگوی هالستی همگرایی ندارند.

قدرت‌های بزرگ به خوبی دریافته‌اند که حضور آنها در منطقه غرب آسیا زمانی توسط برخی از دولت‌های منطقه‌ای طلب می‌شود که آنها یک عامل منطقه‌ای را تهدیدی علیه سایرین تعریف کنند. بر این مبنا، بسیار تلاش شده است که جمهوری اسلامی ایران به عنوان عاملی برای تهدید امنیت منطقه معرفی شود. از طرف دیگر نیز برخی کشورهای منطقه، امنیت خود و منطقه را در سایه اتحاد و همراهی با قدرت‌های بزرگ فرا منطقه‌ای تعریف کرده‌اند. این کشورها نه تنها حضور آمریکا را در منطقه درخواست می‌کنند، بلکه در مباحث و ترتیبات امنیتی منطقه نیز جمهوری اسلامی ایران را کنار می‌گذارند. در این راستا کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی، با دعوت از دولت‌های فرماندهی برای مشارکت در امنیت منطقه و حذف ایران از این مشارکت، ضمن امنیت جویی در وابستگی به هژمون، در واقع به دنبال خلق تهدید برای ایران نیز هست. استمرار حضور نظامی آمریکا در غرب آسیا و افزایش روابط دیپلماتیک با کشورهای این منطقه باعث می‌گردد ایران رودرروی همسایگان خود قرار گیرد. به گونه‌ای که همواره یکی از موارد اختلافی ایران با این کشورها وابستگی امنیتی آنان به آمریکا بوده است. ایران همواره تلاش نموده است تا همسایگان خود را قانع کند که به حضور نیروهای بیگانه در قلمروی خود پایان داده و به جای وابستگی به بیگانگان با انعقاد قرار داد امنیتی منطقه‌ای، مسئولیت امنیت را به صورت مشترک بر عهده گیرند. مشکلات مشروعیت نظام سیاسی این کشورها و احساس دخالت ایران نیز مزید بر علت است. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران باعث به خطر افتادن منافع آمریکا در منطقه غرب آسیا گردید، به همین علت آمریکا تلاش کرد ایران را به عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی معرفی نماید، با پیروزی انقلاب اسلامی و مخالفت علنی حکومت جدید ایران با قرارداد صلح کمپ دیوید، بهانه‌ی لازم برای تصویرسازی دشمن گونه از ایران به دست رژیم صهیونیستی ایجاد شد و با حمایت‌های آمریکا توهم مخاطره آمیز بودن ایران

برای اسرائیل در سطح نظام بین المللی منتشر شد. در این زمان آمریکا و هم پیمانانش تبلیغاتی گسترده علیه ایران به راه انداختند و اخباری آمیخته به دروغ را در سطح جهان منتشر نمودند و ادعا کردند ایران بر اساس رویکردی واقع گرایانه به صورت طبیعی باید به دنبال دست یابی به سلاح اتمی باشد تا بتواند موجودیت خویش را در مقابل رژیم صهیونیستی حفظ کند و در برابر حمله احتمالی اسرائیل از خودش دفاع نماید.

در این سالها تلاش آمریکا و اسرائیل برای جلوگیری از دستیابی تهران به انرژی صلح آمیز هسته ای و تهدیدهای گاه و بی گاه رژیم صهیونیستی در مورد حمله به مراکز هسته ای ایران بر شدت تنش ها افزوده است. حال آنکه بر اساس منشور سازمان ملل متحد هر نوع حمله پیش گیرانه ممنوع است. در فضای آژانس بین المللی انرژی اتمی نیز از زمانی که "یوکیو آمانو"، سکات آژانس را به دست گرفته است با کنار گذاردن بی طرفی و نگاه فنی در بخش «گزارش های احتمالی» با غرب هماهنگ تر از گذشته عمل می شود. تا حدی که وقتی اعلام می شود که آژانس قصد دارد گزارشی در خصوص فعالیت های هسته ای تهران منتشر کند، با کمترین استثنایی، مجموع مقامات و رسانه های غربی اعلام می کنند که این گزارش فشارها را علیه ایران افزایش خواهد داد. هدف از این مقاله مشخص کردن این موضوع است که پرونده هسته ای ایران چه تأثیری بر نظم منطقه ای غرب آسیا دارد؟ در همین راستا تلاش شده است، این مسئله در چارچوب نظریه ی سیاست خارجی هالستی بررسی شود. در راستای الگوی بازدارندگی ایران باید گفت که الگوی انتخابی برای جمهوری اسلامی ایران، راهبرد دفاعی با دو رویکرد بازدارندگی و نبرد نامتقارن می باشد که عنصر اولی بیشتر برای قدرت های منطقه ای هم طراز مطرح می باشد و عنصر دوم برای قدرتهای فرامنطقه ای که از نظر توان فاصله زیاد و غیر قابل جبرانی را با ما دارند.

منابع

آجیلی، هادی و رحیم افشاریان، کاربست سند چشم انداز در سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، شماره ۲۴، پاییز
اسدی، علی اکبر. (۱۳۹۶). «سیاست خارجی عربستان سعودی: منابع، اهداف و مسائل»،

فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱



اسدی، بیژن. (۱۳۸۵). *عوامل موثر در همکاری‌های امنیتی - دفاعی ایران و کشورهای*

خلیج فارس: یک بررسی

اسدی، علی اکبر. (۱۳۸۷). *سیاست‌های هسته‌ای در منطقه‌ی خلیج فارس*، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی.

اسدی، بیژن. (۱۳۸۱). *خلیج فارس و مسایل آن*، تهران نشر سمت، پایگاه اینترنتی اطلاعات

و آمار نظامی : SIPRI ArmsTransfers Database

افتخاری، آزاده. (۱۳۸۸). *احمدی نژاد در عرصه سیاست خارجی*؛ روزنامه شرق.

آقازاده، مازیار. (۱۳۸۷). *چهارراه اسلام گرایی در خاورمیانه*، روزنامه کارزگران.

امامی، محمدعلی. (۱۳۸۴). «تأثیر برنامه هسته‌ای ایران بر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال نوزدهم.

بزرگی، سید مهدی. (۱۳۸۸). «نقد کتاب مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه در چشم انداز آمایش سرزمینی عدالت گرایانه در دولت نهم»، *نامه دولت اسلامی*، سال دوم، شماره‌های ۵ و ۶.

التمیمی‌نیا، رضا، عزیز آبادی و تاجیک. (۱۳۹۶). «منازعات قدرت و رقابت‌های ژئوپلیتیک قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در کشور یمن»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۳۱.

جنگ نرم. (۱۳۸۹). «ایران هراسی عملیات آمریکایی، صهیونیستی است»، *جنگ نرم و عملیات روانی*، ۳۱ خرداد.

حاتمی راد، منصور. (۱۳۸۶). «چرخه سوخت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *نشریه مرییان بهار*، شماره ۲۳.

خبیری، کابک. (۱۳۹۳). *راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران (ملزومات و راه‌کارها)*. پایگاه تحلیلی خبری بصیرت.

خلیلی، محسن. آزموده، فهیمه. (۱۳۸۹). «پس زمینه تاریخی/اندیشه‌ای سیاست خارجی تعالی‌گرا»، *فصلنامه سیاست*، سال دوازدهم، شماره ۲۹.

دهقانی فیروزآبادی، جلال. (۱۳۸۶). «رویکرد اعراب به برنامه هسته‌ای ایران»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال چهاردهم، شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز.

رسولی ثانی آبادی، الهام. (۱۳۹۰). *هویت و سیاست هسته ای در جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول، تهران، انتشارات ابرار معاصر تهران.

رشیدی، مصطفی، افشین متقی. (۱۳۹۲). «تبیین ژئوپلیتیکی الگوهای اسلام گرایی در جهان اسلام از منظر بر ساخت گرایی»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۳۴، پاییز.

روحانی، حسن. (۱۳۸۸). «چشم انداز خاورمیانه: تداوم نگاه غرب یا نگاهی جدید»، *فصلنامه راهبرد*، سال هجدهم، شماره ۵۲، پاییز.

سریع القلم، محمود. (۱۳۸۱). «سیاست خارجی جمهوری اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی»، *ماهنامه نگاه*، سال چهارم، شماره ۴۶، مهر و آبان.

سریع القلم، محمود. (۱۳۷۹). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

عابدی، سجاد. (۱۳۹۸). *پروژا ایران هراسی*، روزنامه اعتماد، شماره ۴۵۱۴

غریب آبادی، کاظم. (۱۳۸۷). *برنامه هسته ای ایران: واقعیت های اساسی*، تهران: وزارت امور خارجه.

قاسمی، بهرام. (۱۳۹۷). *دیپلماسی؛ بعد مهم بازدارندگی در عصر نوین بین الملل*، ایران آنلاین.

محمد مراد، رضا. (۱۳۹۸). *تائیا هو به ایران هراسی متوسل شده است*، خبرگزاری صدا و سیما، کد خبر: ۲۵۵۸۸۸۳.

محمدی، منوچهر. (۱۳۸۶). *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مرسلی، فاطمه. (۱۳۹۶). «بررسی نقش و جایگاه مردم در ارتقاء اقتدار منطقه ای ایران»، *سایت اندیشکده تبیین*، ۲۸ خرداد ۱۳۹۶

ملک محمدی، حمیدرضا و داودی، مهدی. (۱۳۹۱). «تاثیر ایران هراسی بر سیاست های نظامی امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس»، *مجله سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، دوره ۴۲، شماره ۲، تابستان.

موسویان، سید حسین. (۱۳۹۴). *ایران و آمریکا؛ گذشته شکست خورده و مسیر آشتی*، تهران: تیسرا.

۱۶۳

پژوهش های بین المللی
روابط بین الملل

بررسی تأثیرمسأله
هسته ای جمهوری
اسلامی ایران بر
نظم منطقه ای غرب
آسیا (۲۰۰۰-
۲۰۲۰)

میرحسینی، سیدمحسن. (۱۳۹۴). توافق هسته ای ژئوپلتیک منطقه را تغییر داد. قابل دسترس در <http://www.tabnak Yazd.ir/fa/news/81922/>

نادری نسب، پرویز. (۱۳۸۹). «چالش های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱، بهار.

هالستی، کی.جی. (۱۳۷۳). *مبانی تحلیل سیاست بین الملل*، ترجمه بهرام مستقیم و مسعود طارم سری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

واعظی، محمود. (۱۳۸۶)، «چالش ها و رویکرد امنیتی ایران در محیط پیرامونی»، گزارش راهبردی.

۱۶۴

Bojang .Alieu S. (2018). The Study of Foreign Policy in International Relations, *Journal of Political Sciences & Public Affairs* 06(04).

Carlson, John, (2016). Iran and a New International Framework for Nuclear Energy, Belfer Center for Science and International Affairs Harvard Kennedy School 79 JFK Street Cambridge, MA 02138.

CIRINCIONE, JOSEPH, (2006). Controlling Iran's Nuclear Program, *Issues in Science and Technology* 22, no. 3 (Spring 2006).

Commins, David (2014). *The Gulf States: A Modern History*. London: I. B. Tauris Co Ltd.

DEITCH, IAN (2018). Netanyahu opposition to Iran deal not shared by all Israelis, <https://apnews.com/4620cc8f50ff4419a110d4548d46647e/>.

Dinesh, (2016). Foreign Policy: 16 Elements of Foreign Policy, <https://www.yourarticlelibrary.com/international-politics>

Elrod, Richard B. "The Concert of Europe: A Fresh Look at an International System." *World Politics*, vol. 28, no. 2, 1976, pp. 159–174. *JSTOR*, JSTOR, www.jstor.org/stable/2009888.

Frazier ,Brionne (2019). What Is Foreign Policy? Definition and Examples, <https://www.thoughtco.com/foreign-policy-definition-examples-4178057>

Giuseppe Dentice, (2019). *Israel's Foreign Policy: No Change in Sight*, *Istituto per gli Studi di Politica Internazionale*.

Haghgou, javad,(2017). Iran's Nuclear Case and the Political Economy of Hegemonic Media Diplomacy (Analyzing the America's Strategic Interests from Creating the Iranian Nuclear Crisis in West Asia), http://enghelab.maaref.ac.ir/browse.php?a_id=313&sid=1&slc_lang=en

Hecker, Siegfried S(2014). A nuclear energy program that benefits the Iranian people, *bulletin of the atomic scientists*.

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دوازدهم،

شماره اول، شماره

پیاپی چهل و

چهارم، بهار ۱۴۰۱

- Iran's Nuclear Power Profile, International Atomic Energy Agency (IAEA), updated on December 2003, p. 438, (via Iran Watch): /library/international-organization/international-atomic-energy-agency-iaea/other-iaea-document/irans-nuclear-power-profile-iaea.
- Maria Elena Argano, (2018). THE IRANIAN NUCLEAR DEAL: THE CHALLENGE OF THE EUROPEAN UNION, EUROPEAN INSTITUTIONS, PARTNERS /EXTERNAL
- Masterson, Julia ,(2020). *Timeline of Nuclear Diplomacy With Iran*, Kelsey Davenport, Director for Nonproliferation Policy, (202) 463-8270 x102.
- Meir, Shemuel, (2018). Three years on, the Iran nuclear deal is still Israel's best bet, By +972 Magazine August 27.
- PRASHAD, VIJAY, (2019). Iran has lawful right to nuclear energy program, PROUDLY POWERED BY NEWSPACK BY AUTOMATTIC PRIVACY POLICY.
- Tom O'Connor, Israel's Netanyahu Says on Video He Was Behind Trump's Decision to Leave Iran Deal, Newsweek 7/18/2018
- Viotti, Paul R., and Mark V. Kauppi. *International Relations Theory*. 5th ed., Pearson, 2011.
- Zvi Bar'el (18 October 2009). "Comment / How do Turkey and Israel measure each other's love?". *Haaretz*. Retrieved 5 December 2009

۱۶۵



بررسی تأثیرمسأله
هسته‌ای جمهوری
اسلامی ایران بر
نظم منطقه‌ای غرب
آسیا (۲۰۰۰-
۲۰۲۰)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی